



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

حکم مانع الزکات در فقه جزای شیعه

سید رضا احسان پور^{*۱}

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مانع‌الزکات به کسی گفته می‌شود که در برابر اخذ زکات، مقاومت می‌کند. فقها بحث مانع‌الزکات را در ملاحق جهاد اهل بغی بیان کرده‌اند که وجه آن، اشتراک باغی و مانع‌الزکات در عدم تبعیت از حکم جهاد با کفار است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: امام می‌تواند با مانع‌الزکات قتال نماید و بر این نظر نیز ادعای اجماع شده است. روایاتی که اشاره بر کفر مانع‌الزکات دارد، بر شدت ذنب و یا بر مراتبی از کفر حمل می‌شود و از باب تسامح است. از آنجا که عدم ادای زکات، فسق است، بر حاکم یا نایب وی تکلیف است تا به قهر، مانع‌الزکات را به تمکین وا دارد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: مانع‌الزکات اگر عدم ادای زکات را حلال بداند، مرتد است و حکم وی قتل خواهد بود. و در غیر این صورت، با وی قتال خواهد شد و اگر کشته شود، خون وی هدر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۵-۴۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

مانع‌الزکات، مرتد، بغی، کفر

نویسنده مسوول:

سید رضا احسان پور

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شاهد،
دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق
جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۱۶۴۱۹۶

کد ارکید:

0000-0001-9135-3968

پست الکترونیک:

Ehssanpour@gmail.com

۱. مقدمه

مانع‌الزکات به کسی گفته می‌شود که با وجود مقتضی پرداخت زکات نه تنها از ادای این واجب احتراز می‌ورزد بلکه مانع دریافت زکات متولیان جمع‌آوری حکومتی زکات از افراد واجد صلاحیت پرداخت زکات می‌باشد. و به عبارتی در برابر اخذ زکات، مقاومت می‌کند. از این رو مانع‌الزکات با تارک‌الزکات متفاوت است.

فقها بحث مانع‌الزکات را در کتاب جهاد طرح کرده‌اند و برخی نیز در ملاحق جهاد اهل بغی متعرض آن شده‌اند. شاید وجه بیان این مطلب در آن بخش، اشتراک باغی و مانع‌الزکات در عدم تبعیت از حکم جهاد با کفار است^۱ (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۸). آنگونه که در حدیث امام صادق از امام باقر (ع) آمده: «أمر علیّ علیه السلام منادیه یوم البصرة: لا یتبع مدبر، و لا یدف علی جریح، و لا یقتل أسیر، و من أعلق بابه فهو آمن، و من ألقى سلاحه فهو آمن و لم يأخذ من متاعهم شیئاً».

امام می‌تواند با مانع‌الزکات قتال نماید. صاحب جواهر در خصوص این حکم فرموده است که خلاف این حکم را در میان فقها نیافته (نجفی، بی‌تا، ۳۴۳) و علامه حلی نیز ادعای اجماع بر آن نموده است (علامه حلی، ۱۴۱۰).

۲. ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

امام می‌تواند با مانع‌الزکات قتال نماید و بر این نظر نیز ادعای اجماع شده است. روایاتی که اشاره بر کفر مانع‌الزکات دارد، بر شدت ذنب و یا بر مراتبی از کفر حمل می‌شود و از باب تسامح است. از آنجا که عدم ادای زکات، فسق است، بر حاکم یا نایب وی تکلیف است تا به قهر، مانع‌الزکات را به تمکین وا دارد.

۵. بحث

۵-۱. احادیث

در خصوص مانع‌الزکات احادیث بسیاری از طریق خاصه و عامه وارد شده است که در دو دسته کلی قابل تبویب است. نخست احادیثی که مانع‌الزکات را مورد مزمت قرار می‌دهند و دوم روایاتی که از آن حکم شرعی مانع‌الزکات استنباط می‌شود.

^۱ «و لعلّ الوجه فی ذکره هنا اشتراک الباغی و مانع الزکاة فی أنّ جهادهم لیس کجهاد الکفار فی جواز القتل و الأسر و السبی و الغنیمه و غیرها؛ إذ جهاد مانع الزکاة إنّما هو بغرض ارتداعه عمّا هو علیه من منع الزکاة، کما أنّ جهاد اهل

البغی إنّما هو بغرض رجوعهم من البغی إلى الطاعة، فلا یقتل أسیرهم، و لا یجهز علی جریحهم، و لا یتبع مدبرهم إلا مع الإصرار، فمانعوا الزکاة مسلمون قد فسقوا بمنعهم الزکاة»

در گروه نخست، احادیثی وارد شده که نماز مانع الزکات را کامل ندانسته، صدقه وی را مقبول نشمرده^۱ ایشان را همچون رباخوار دانسته^۲ و مستحق لعن شمرده است^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳). در برخی احادیث نیز آمده است که هرکس مقداری از زکات بر ذمه داشته باشد، هنگام موت، به مرگ نصرانی یا یهودی قبض روح خواهد شد^۴ (حر عاملی، بی تا). همچنین مانع الزکات، در برخی روایات سارق شمرده شده است^۵ (حر عاملی، بی تا). در گروه دوم، احادیثی وارد شده که مانع الزکات را کافر دانسته و به هدر بودن دم^۶ (حر عاملی، بی تا) و قطع گردن^۷ اشاره داشته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۲). در وصیت حضرت رسول به امیر المومنین (ع) ده مورد، کفر به خداوند دانسته شده که مانع الزکات نیز در جمع آنها است^۸ (حر عاملی، بی تا).

۲-۵. حکم مانع الزکات

۲-۵-۱. کفر

در برخی روایات، مانع الزکات کافر دانسته شده است.^۹ البته به نظر می‌رسد اطلاق کفر بر مانع الزکات دلالت بر شدت ذنب داشته باشد،^{۱۱} و یا حمل بر برخی مراتب کفر گردد.^{۱۲} بر این

بر حاکم واجب است که در صورت مصلحت، (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۸۳). با مانع الزکات

۲-۵-۲. بغی

^۷ مانع الزکاة یضرب عنقه.
^۸ کفر بالله العظیم من هذه الأمة عشرة - و عد منهم - مانع الزکاة
^۹ کفر بالله العظیم من هذه الأمة عشرة - و عد منهم - مانع الزکاة
^{۱۰} و إطلاق ذلك علیه فی بعض النصوص منزل علی إرادة بیان عظم الذنب و العقوبة
^{۱۱} مما ینبغی حمل ما فیہ من الکفر علی إرادة المبالغة
^{۱۲} و لیحمل علی بعض مراتب الکفر
^{۱۳} فهذا التعبير یعنی التعبير بالکفر بالإضافة إلی مانع الزکاة إنما هو للاهتمام بها، و كونها واقعة فی الفرائض المهمة

^۱ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَا تَتِمُّ صَلَاةٌ إِلَّا بِزَكَاةٍ وَلَا تُقْبَلُ صَدَقَةٌ مِنْ غُلُولٍ وَلَا صَلَاةٌ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةٌ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ.
^۲ عَنْ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: الْمَاعُونُ الزَّكَاةُ الْمَفْرُوضَةُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ كَأَكْلِ الرَّبَا وَ مَنْ لَمْ يُزَكَّ مَالَهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.
^۳ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعْنُ مَانِعِ الزَّكَاةِ وَ أَكْلِ الرَّبَا
^۴ مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا
^۵ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّرَاقُ ثَلَاثَةٌ: مَانِعُ الزَّكَاةِ، وَ مُسْتَحْلٍ مَهْوَرِ النِّسَاءِ، وَ كَذَلِكَ مِنْ أَسْتَدَانَ دِينَا وَ لَمْ يَبْنُو قِضَاءَهُ
^۶ عَنْ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَقْضَى فِيهِمَا حَتَّى يَبْعَثَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (ع)، فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ: الزَّانِي الْمَحْصَنُ يَرْجَمُهُ، وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ.»

خروج از طاعت امام است: و یدخل فی البغاه کلّ باغ علی الإمام أو نائبه الخاص أو العامّ، ممتنع عن طاعته فیما أمر به و نهی عنه، فمن خالف فی ترک زکاة أو خمسٍ أو ردّ حقوق حاربه...» (کاشف الغطاء، بی تا). البته پذیرش این نظر طبق موازین فقهی مشهور در تعریف بغی که عبارت از خروج مسلحانه علیه حکومت اسلامی است و نیز خاصه با توجه به سیره امیرالمومنین مشکل است.

۵-۲-۳. ارتداد

پرداخت زکات از ضروریات دین است و در ضروری بودن آن نیز تردیدی نیست و منکر آن کافر است: و بالجملة فإن وجوب الزکاة من الضروریات الدینیة و لا خلاف و لإشکال فی کفر من أنکر شیئا منها (بحرانی، ۱۴۲۳، ۷) از این رو مستحل آن مرتد است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۱، ۹) و کیفر مرتد نیز قتل می باشد: و مانع الزکاة مستحلاً مرتدّ، و غیره یقاتل حتّی یدفعها (شهید ثانی، بی تا؛ علامه حلی، ۱۴۱۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷).

مانع الزکات اگر شبهه‌ای در این خصوص نداشته باشد، انکار ضروری دین را نموده است اگرچه ظاهر کلام فقها، اطلاق این حکم است. برخی نیز صرف ضروری بودن حکم را اماره بر علم دانسته مگر خلاف آن اثبات شود (منتظری، ۱۴۰۹).

اگر مانع الزکات با استدلال و دلیل آوری، تمکین نماید، گفته شده که توبه وی پذیرفته خواهد شد

قتال نماید تا وی به پرداخت زکات تمکین نماید «و یقاتل مانع الزکاة حتّی یؤدّیها» (علامه حلی، ۱۴۱۲) وجه وجوب نیز آن است که منع از ادای زکات، فسق است و بر امام واجب است تا ازاله فسق نماید.

البته قتال به وجه مزبور پس از طی مراحل آن است. چنانچه مانع الزکات معتقد به وجوب ادای زکات بوده و مع الوصف آن را ترک نماید، فاسق شمرده شده و بر امام است تا بر او سخت گرفته و به نبرد برخیزد تا به ادای واجب مکلف گردد. چنانچه مانع الزکات اموال خود را مخفی نموده باشد، می توان وی را حبس نمود تا مال مخفی شده را اظهار نماید و در صورت اظهار تنها به اندازه مقرر شرعی از آن اخذ خواهد شد (علامه حلی، ۱۴۱۰).

آنچه که جایز است به کار گرفتن زور برای الزام مانع به ادای تکلیف است و اگر در این میان کشته شود، خون وی هدر خواهد بود: فمانع الزکاة عاص یقهر علی أخذها منه، فإن لم یمكن إلّا بالقتال قوتل (نجفی، بی تا، ۲۵۰). اما همانگونه که محقق اردبیلی گفته، مقصود از قتال اخذ مال زکات و دفع آن به بیت المال است و نه قتل وی که البته اگر قتال موجب قتل شود، هدر خواهد بود (محقق اردبیلی، بی تا، ۲۵۶).

البته این احتمال نیز وجود دارد که مانع الزکات ولو پس از تمکین همچنان از ذیل عنوان باغی خارج نگردد چه آنکه بغی، به زعم برخی فقها مطلق

^۳ اطلاق کون انکار ضروری موجبا للکفر مطلقا و الظاهر ان مراد المطلقین أيضا صورة العلم و المعرفة نعم لا نأبی كما عرفت ان تكون ضروریة الحكم امارة علی العلم ما لم ینکشف الخلاف

^۱ و لو اعتقد وجوبها و منعها فهو فاسق، یضیق الإمام علیه و یقاتله حتی یدفعها؛ لآنه حقّ واجب علیه، فإن أخفی ماله حبسه حتی یظهره، فإذا ظهر علیه أخذ منه قدر الزکاة لا أزید.

^۲ لکن یكون المقصود الأخذ و الدفع، لا قتله، و لو قتل حیثنذ یكون هدراً

و در این حال حکم او مانند حکم خوارج است. این حکم البته نیازمند تأمل است (محقق اردبیلی، بی تا، ۵۹۶).

۵-۳. متولی قتال

حکم قتال با مانع الزکات از شؤونات امام است. وجه آن نیز آن است که زکات از حقوق عموم مسلمین است^۱ (مغنیه، ۱۳۷۹) و هنگامی که امام آن را مطالبه کند و ادا نشود باید ستانده گردد. همین شأن برای نایب امام و منصوب او نیز وجود دارد. در خصوص ثبوت حکم برای نایب امام در زمان غیبت، دو قول گفته شده است^۲ (موسوی سبزواری، ۱۴۱۱، ۲۰۶). وجه قول نافی، عدم تسلط فقیه بر اموال مردم (در صورت اعتقاد بدین نظر) است^۳ (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۱۴۱). برخی نیز قول مخالف را پذیرفته و آن را بدون وجه دانسته اند: «و لا أعرف له وجهاً إلا علی القول باختصاص إقامة الحدود بالإمام علیه السلام إلا أن تخصيص هذين الفردين من ما لا وجه له علی هذا التقدير» (بحرانی، ۱۴۲۳، ۸). در اینکه غیر از امام یا منصوب وی نیز عهده دار این وظیفه باشد، گفته شده که قتال با مانع الزکات از باب امر به معروف نیز امکان پذیر است (نجفی، بی تا، ۱۳).

۶. نتیجه گیری

زکات از ضروریات دین است. نافی آن، منکر ضروری دین شده و کافر است و حد او نیز حد مرتد خواهد بود. لیکن مانع آن چنانچه غیر مستحل باشد، کافر نیست و بر امام یا نایب او فرض است تا با وی قتال کنند تا تمکین نماید و اگر منجر به قتل شود، هدر خواهد بود. احادیثی که در کفر مانع الزکات وارد شده، اولاً مربوط به مستحل آن است و ثانیاً در فرض خلاف، حمل بر شدت ذنب می گردد.

۷. تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می کنیم.

۸. سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

۹. تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

الحکم باختلاف الظروف و الخصوصیات و الجهات التي هي أيضا منوطه بنظر الفقيه الجامع للشرائط.

^۳ و فی قبال ما تقدم هناك من لم يجوز للفقيه إجبار الممتنع علی أداء الزكاة و سائر الحقوق الواجبة بناء علی ما ذهب إليه من عدم ولاية الفقيه علی أموال الناس.

^۱ و تسأل: هل يجوز للفقير المحتاج أن يختلس من مال مانع الزكاة، لأنه من المستحقين لها؟ الجواب: كلا، لأن الزكاة تثبت في أموال الأغنياء للفقراء بوجه عام، لا لإنسان بالخصوص، حتى تجوز المقاصه، و بكلمة الدين ملك خاص، و الزكاة ملك عام، و الفرق بينهما واضح.

^۲ منشأهما تعميم النيابة في كل شيء إلا ما خرج بالدليل الخاص فيثبت هذا الحق له، و تخصيصها بخصوص ما دل عليه الدليل بالخصوص، و يمكن اختلاف

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. بتصحیح علی اکبر غفاری، جلد ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. جلد دوازدهم، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۳.
- جمعی از پژوهشگران. موسوعه الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام. جلد بیست و یکم، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسایل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. فوائد القواعد. قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، بی تا.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکره المتعلمین. جلد پنجم، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۴۱۰.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. جلد هشتم، مشهد مقدس، آستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۱۲.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الأحكام. جلد اول، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، ۱۴۱۳.
- فاضل لنکرانی، محمد. الأحكام الواضحة. قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار، ۱۳۸۰.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن. إیضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد. جلد اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
- کاشف الغطاء، جعفر. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. جلد چهارم، قم، مکتبه الاعلام الاسلامیه، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. جلد نود و سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- محقق اردبیلی، احمد. مجمع الفایده و البرهان. جلد هفتم، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، بی تا.
- مغنیه، محمدجواد. فقه الإمام جعفر الصادق. جلد چهارم، قم، انصاریان، ۱۳۷۹.
- منتظری، حسینعلی. کتاب الزکاة، جلد اول، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۰۹.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، جلد یازدهم و پانزدهم، قم، ۱۴۱۱.
- نجفی، حسن. جواهر الکلام. جلد بیست و یکم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.



Decree of manie alzakah in Penal jurisprudence of Shia

Seyed Reza Ehsanpour^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 35-41

Article history:

Received: 20 Dec 2020

Edition: 9 Feb 2021

Accepted: 16 May 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Impediment to Zakat,
Apostate, Baghi, Infidelity

Corresponding Author:

Seyed Reza Ehsanpour

Address:

Department of Criminal Law and
Criminology, Faculty of
Humanities, Shahed University,
Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-9135-3968

Tel:

09111164196

Email:

Ehssanpour@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Impediment to Zakat is someone who resists receiving Zakat. The jurists have expressed the issue of the impediment to Zakat in the context of the jihad of the Baghi people, the aspect of which is the sharing of the Baghi and the impediment to Zakat in not following the ruling of jihad with the infidels.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The Imam can fight with the impediment of Zakat, and this view has also been claimed by consensus. The narrations (Ahadith) that refer to disbelief of impediment to Zakat are interpreted as the severity of sin or on a degree of disbelief and are due to tolerance.

Conclusion: Since non-payment of Zakat is a sin, it is incumbent on the ruler or his deputy to force the obstruction of Zakat into obedience, and in case of fighting, his blood will be wasted. If the impediment to Zakat considers it lawful not to pay it, he is an apostate and his sentence will be murder.